

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران - توفان

۱۷ دسمبر ۲۰۱۲

**متن سخنرانی رفیق نماینده حزب کار ایران (توفان)
در اجلاس وسیع سازمانها و احزاب انقلابی در استانبول.**

در ۲۰ و ۲۱ ماه اکتوبر ۲۰۱۲ جلسه ای مرکب از ۲۱ سازمان و حزب سیاسی ضد امپریالیستی و کمونیست و مترقی در استانبول تشکیل شد و در مورد اوضاع خاورمیانه به بحث و گفت و گو پرداختند. پیام زیر توسط رفیق نماینده حزب به چند زبان ترجمه، به سمع حضار رسید و مورد استقبال آنها قرار گرفت. گزارش مشروح این جلسه در شماره آینده توفان الکترونیک منتشر خواهد شد.

علل تحریمهای اقتصادی و تهدیدات نظامی به ایران توسط امپریالیست امریکا و متحدینش چیست؟

رفقای گرامی

یکی از تضادهای اساسی جهان که در تحولات جهانی نقش داشته و در آنها مؤثر است، تضاد میان امپریالیسم و خلقهای جهان است. امپریالیسم برای توسعه مناطق نفوذ خویش به هر وسیله ای دست می زند و سعی می کند ابزار عملی و ذهنی آن را فراهم آورد. امپریالیسم به بازار فروش برای کالاهای خویش نیاز دارد، امپریالیسم به دستمزد ارزان برای تولید کالای خویش نیاز دارد، امپریالیسم برای تولید کالاهای خویش به مواد اولیه نیاز دارد که در ممالک دیگر در زیر خروارها خاک نهفته است. امپریالیسم برای تحقق این خواستههای خویش که خود به خود به انجام نمی رسد به حکومتهای دست نشانده در ممالک جهان که تنها به ساز امپریالیستها برقصند نیاز دارد، آنها نیاز دارند که برای حفظ طعمه خویش رقبای خود را از میدان به در کنند و همه طعمه را خود شخصاً تناول نمایند و زمینه ای ایجاد کنند که این وضعیت به نفع آنها در جهان حفظ شود.

یکی از قطعیتترین مسائلی که امروز در جهان مطرح است، مسأله انرژی فسیلی و هسته نی است. با کاهش منابع فسیلی در جهان و با نیاز کشورهای رو به توسعه نظیر چین، هندوستان، برزیل به انرژی، وضعیتی در جهان ایجاد شده است که تسلط بر منابع انرژی را برای امپریالیستها به یک امر بود و نبود تبدیل کرده است. امپریالیسم امریکا از زمان تولید نفت و تجارت آن توسط آقای راکفلر برای سوخت در چراغ های نفتی گرد سوز با لوله لامپا تحت نام

چراغهای "استاندارد" شرکت نفتی "استاندارد اویل کمپانی" را بنیانگذاری کرد و با تولید اتومبیل و روشن شدن اهمیت نفت در جنگ جهانی اول با سفر پرزیدنت روزولت به عربستان سعودی به بزرگترین منابع نفت جهان دست یافت. از همان تاریخ جنگ پنهانی بر سر تسلط بر منابع انرژی میان آمریکا و انگلستان در جهان و به ویژه در خاورمیانه در گرفت. ایران، عراق، کویت و ... به منطقه نفوذ انگلیس بدل شدند و عربستان سعودی در خدمت آمریکا ماند. مبارزه بر سر کسب این ماده حیاتی روز به روز بیشتر تشدید می شود و امروز به نقطه اوج خود رسیده است. دامن زدن به جنگ مسلمان و مسیحی در افریقا تا مناطق نفت خیز را از زیر نفوذ مسلمانها خارج کرده و با تجزیه ممالک آنها و تضعیف حکومتهای مرکزی و ایجاد نفاق به منابع اولیه آنها دست پیدا کنند، در **سودان**، **نیجریه**، **سومالی**، **کنیا** و **مالی** و سایر ممالک **آفریقانی** به خوبی مشهود است. در همین رابطه زمینه ذهنی توجیه تجاوزات را به کشورهای اسلامی فراهم می آورند و مسأله حجاب زنان و یا عدم تساوی حقوق زنان و مردان در ممالک اسلامی را که ۱۴۰۰ سال وجود داشته است به مسأله روز و سیاست تبلیغاتی خود بدل می کنند. قرآن می سوزاند و از محمد کاریکاتور می کشند و اسلام ستیزی را رواج می دهند، از مسلمانان به عنوان آدمهای تروریست، خطرناک، مردسالار، زن ستیز، ضد کودک و ... نام می برند. به یک باره جنبش لختیها راه می اندازند تا ثابت کنند خودشان مترقی اند و مسلمانها که لخت نمی شوند ارتجاعی اند، در حالی که ماهیت امر در این است که این عده می خواهند **هم زنان و هم مردان** ممالک نفت خیز مسلمان را لخت کنند. همه این کارها و تبلیغات سازمانیافته برای آن است تا در افکار عمومی زمینه تجاوز به کشورهای نفت خیز مسلمان فراهم شود. شما اگر لحظه ای به نقش اپوزیسیون خود فروخته ایران نگاه کنید بخشی از وظایفی که سازمان "سیا" آمریکا به عهده آنها گذارده است، به عهده گرفته اند. اسلام ستیزی آنها ایجاد زمینه سازی برای تجاوز به کشورهای مسلمان است تا به مردم ممالک خود چنین تفهیم کنند که این وحشی ها شایسته داشتن و نگهداری منابع انرژی نیستند و حضورشان زندگی ما را به خطر می اندازند و آسایش و رفاه ما را که ناشی از وجود انرژی است تهدید می کنند، زیرا می خواهند آنچه را که **حق طبیعی!!** ما و منبع آسایش ماست، تصاحب کنند. کم کم امپریالیستها مالک منابع نفتی ما می شوند و ملت های ما، کسانی محسوب می گردند که گویا می خواهند با توحش جلوی پیشرفت تمدن را بگیرند. با همین منظور بود که یکی از سیاستمداران آمریکائی به کنایه گفت: "نفت آمریکا به اشتباه در زیر خاک عربستان سعودی قرار گرفته است". این سخنان صمیمانه، نشان می دهد که امپریالیست آمریکا مترصد آن است که در صورت کمبود نفتش، خاک عربستان سعودی را اشغال کند. منابع نفتی عربستان سعودی اکثراً در مناطق شیعه نشین قرار دارد و شیعیان در زیر نفوذ جمهور اسلامی ایران هستند. این نفوذ نه تنها از نظر مذهبی است، بلکه با تهدیدهای ایران علیه اسرائیل و آمریکا در منطقه، با حمایت ایران از مردم فلسطین و لبنان از نظر سیاسی نیز بسیار بُرد داشته و برای جمهوری اسلامی ایران محبوبیت خلق می کند. این است که تبلیغات ضد اسلامی و نه ضد ادیان به طور کلی، توسط عمال امپریالیستها در جهان را باید در متن سیاست عمومی امپریالیستها برای تصاحب نفت جهان و زمینه سازی توجیه گرانه ذهنی این تجاوز ارزیابی کرد. آنجا که پای مسلمان و مسیحی در میان نیست، مانند لیبیا به اپوزیسیون سازی تقبلی دست زده و قبیله گرایی و دموکراسی و حقوق بشر و حمایت از مردم غیرنظامی... را تشویق می کنند تا با بمباران مردم غیر نظامی و ایجاد عدم امنیت و تجزیه کشورهای به منابع نفتی آنها دست پیدا کنند. در عراق به کردها و شیعیان به ضد سنی ها تکیه کردند تا نفت عراق را از چنگ روسها و چینی ها به در آورده میان خودشان تقسیم کنند. در آذربایجان شیعه، تهدید روسیه و ارمنستان و ایران و ترک زبانی را وسیله دخالت خود و ترکیه در آنجا نمودند تا جای پای مهمی در آنجا کسب کنند و نفتش را غارت کنند. هم اکنون نفت خلیج فارس به جز ایران در

دست امپریالیستهای امریکا و انگلیس و تا حدودی فرانسه است. ایران تنها کشوری در منطقه است که امپریالیستها موفق نشده اند زمام امور سیاسی آن را به کف آورند. به عکس در اثر نفوذ ایران در عراق شیعه مذهب و در عربستان سعودی در بخش شیعه نشین و بحرین و یمن و لبنان و... وضعیتی ایجاد شده است که منافع ستراتیژیک امپریالیستها در منطقه در خطر است. مبارزه با مذهب شیعه بوی نفت و خون می دهد. تسلط بر چاههای نفت ایران از طریق یک رژیم دست نشانده، جنایتکار و مستبد در ایران، گلوگاه اروپا و چین و هندوستان را به دست امپریالیست امریکا داده که می تواند از طریق تعیین خودسرانه بهای نفت به جنگ روسیه ای برود که هم اکنون قدرت نظامی و اقتصادی اش را مدیون به حراج گذاردن منابع نفتی اش است.

در مناطقی که از جنگ شیعه و سنی و قبیله ای خبری نیست، مسأله قوم گرایی را مطرح می کنند و در پی تجزیه این کشور بر می آیند. امپریالیستها هرگز دلشان برای اجرای حقوق بشر و یا احترام به حقوق ملل در ایران نسوخته است. ولی در حال حاضر به یادشان آمده که در ایران ملت‌های گوناگون وجود دارند که حقوقشان از طرف "فارسها مورد تهدید" قرار گرفته است. به یک باره در همه قطعه‌نامه های کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل نه تنها از نقض حقوق بشر در ایران سخن می رود، از نقض حقوق اقلیتها و مذاهب نیز سخن به میان می آید. به یک باره امپریالیستها خواهان حق تعیین سرنوشت به دست خودشان در ممالک دیگر شده اند. همدستی گردهای ناسیونال شونیست با امپریالیستها و صهیونیستها و رژیم طالبانی و بارزانی در عراق، که تازگی ندارد و ده ها سال است ادامه دارد و همدستی ناسیونال شونیستها آذری با دولت ترکیه و جمهوری آذربایجان و دادن امکانات مالی و تجهیزاتی به آنها، همه و همه در خدمت تجزیه ایران با تکیه بر امپریالیسم و صهیونیسم برای تسلط بر چاههای نفت ایران است و نه برای تحقق حقوق دموکراتیک ملل و رفع ستم ملی از آنها، در دنیای امروز رفع ستم ملی تنها می تواند در مبارزه با امپریالیسم و در راه تحقق جامعه بی طبقه تحقق یابد، در غیر اینصورت قبول رقیب امپریالیستها توسط ممالکی است که به صورت "لقمه های ریز و چرب" در آمده اند. بهترین نمونه هم اکنون مستعمرات به ظاهر مستقل کشورهای سابق یوگسلاوی است که حتی قادر نیستند بودجه خود را تأمین کنند. راستی این اپوزیسیون مصلحت گرای ایران کجا بود، در موقعی که احزاب خود فروخته کرد به پای بوسی جرج بوش و طالبانی و بارزانی رفته بودند و با آنها همکاری می کردند و خواهان تجاوز امپریالیستها به ایران بودند؟ این اپوزیسیون یادش رفته که برای حفظ وحدت در مقابل جمهوری اسلامی با آنها جبهه مشترک تشکیل داده بود.

هر چه بیشتر کشور چین توسعه می یابد و همراه با هند و برزیل به مواد خام بیشتر نیاز پیدا می کند، تضادهای بر سر کسب مناطق نفوذ تشدید می گردد. حمایت چین از ایران و یا روسیه از ایران را باید در کادر تأمین منافع خود آنها دید. اگر وضعیت منطقه طوری بگردد که دست امریکا در ایران و خلیج فارس باز گردد و رژیمی در ایران سر کار بیاید که مانند رضا شاه گماشته امریکا باشد، آنوقت منافع ملی چین و روسیه نیز برای تأمین انرژی و یا درآمد ملی به خطر می افتد. آنوقت اروپا نمی تواند با پول بی اعتبار خود به نام یورو از امریکا نفت بخرد. اروپا باید نفت خود را با ارز "معتبر" دالر بپردازد، که این وابستگی کامل اروپا به امریکاست. **حمایت چین و روسیه از ایران نه به خاطر آن است که گویا ایران مستعمره چین و روسیه شده است، بلکه به خاطر آن است که از دست رفتن مهره مهمی مانند ایران در معادلات منطقه، خطر بزرگی برای منافع این ممالک است و توازن قوا را در سطح جهانی به شدت تغییر می دهد.** البته همدستان امپریالیستها و صهیونیسم در متن سیاست عام امپریالیستها در منطقه، همیشه همین شایعه را تبلیغ می کنند و همه را برای مبارزه علیه چین و روسیه تحریک و ترغیب می نمایند، در حالی که استقلال ایران از جانب آنها نیست که مورد تهدید واقع می شود، از جانب بخش مهمی از امپریالیستهای

غرب و صهیونیسم است که برای تسلط بر چاههای نفت و ممانعت از دستیابی ایران به فن آوری هسته‌ئی مورد تهدید است.

این که امپریالیستها مخالف آن هستند که ایران به انرژی هسته‌ئی و صنایع پیشرفته دست پیدا کند، این خطر را برای آنها دارد که ایران با دست یافتن به فن آوری مدرن و خودکفائی داخلی، دست بازتری در تعیین بهای نفت و مقدار استخراج و عرضه نفت به بازار و نیاز کمتری به کسب ارز خارجی داشته باشد. تأمین انرژی از طریق هسته‌ئی، تلاش در جهت خودکفائی، طبیعتاً به کاهش فروش نفت در عرصه داخلی منجر می شود و نفت ایران را برای نسلهای بعدی ایران به خاطر استفاده در امور پتروشیمی حفظ خواهد کرد. دستیابی به این فن آوری دست ایران را در کاهش و یا افزایش و تعیین بهای نفت باز می گذارد و آینده نسلهای آتی ایران را تأمین می کند. این عمل با سیاست عمومی امپریالیسم در ایران منطبق نیست. ایران مستقل از انرژی نفت، به طوری که بتواند خودش اورانیوم خودش را غنی سازد و انرژی هسته‌ئی را در منطقه به فروش برساند و صاحب ارز خارجی گردد، مغایر سیاست امپریالیستی برای به زیر سلطه کشیدن کشورهای منطقه است و منجر به کاهش تولید نفت و افزایش بهای آن به صورت سرسام آور است. افزایش بهای نفت، ممالک امپریالیستی را دچار اختلال در تولید می کند، زیرا کالاهای آنها امکان رقابت با کالاهای چینی را که در بدترین شرایط استثماری به صورت ارزان قیمت تهیه می شوند، ندارند. برای امپریالیست امریکا تسلط بر منطقه و ایران یک امر حیاتی است.

رفقای گرامی

آنچه امروز درسوریه جریان دارانقلاب نیست، **ضد انقلاب است**. اپوزیسیون شورای ملی و "ارتش آزاد سوریه" که همه جانبه مورد حمایت مادی و معنوی امپریالیست جنایتکار امریکا و ممالک ارتجاعی عربی و رژیم ترکیه قرار می گیرد با خواسته‌های رژیم صهیونیستی اسرائیل نیز تطابق دارد. استعمارگران می خواهند حکومت سوریه را از درون متلاشی... سازند، زیرا این تلاشی در جهت مصلحت اسرائیل است که با خالی شدن پشت جبهه ایران تجاوز نظامی به کشور ما سهلتر متحقق گردد. **دولت‌های غربی** به ویژه امریکا در جهت این مصلحت حرکت می کنند و نه در جهت برقراری آزادی و دموکراسی که مردم سوریه مستحق آن هستند. نیویورک تایمز ۲۱ جون خبر داد که افسران سازمان جاسوسی امریکا در جنوب ترکیه به سازماندهی فراریان و خود فروختگان سوری می پردازند و عربستان سعودی نیز حقوق ماهیانه " ارتش آزاد سوریه" را تأمین می کند. حزب ما تجاوز نظامی ترکیه را به سوریه که مقدمه ای است برای تجاوز مسقیم ناتو به این کشور، قویاً محکوم میکند.

حزب ما بارها تحلیل کرده است، امپریالیستها در پی آن هستند که رژیم گماشته ای نظیر رژیم لیبیا را که گوش به فرمان امریکا باشد بر مسند قدرت بنشانند. سیاست ستراتیژیک امپریالیست امریکا هژمونی بلامنازع در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس و کنترل کامل منابع نفت و گاز و دیگر منابع طبیعی است. " شورای ملی سوریه و ارتش آزاد آن" وسیله ایست در دست امپریالیستها برای تحقق چنین هدف ارتجاعی.

رفقای عزیز

همانطور که بیان داشته ایم **ایران کلید منطقه و گره گاه تضادهای جهان است**. کنترل بر ایران کنترل بر یک منطقه مهم رستراتیژیک در جغرافیای سیاسی جهان بوده و غارت منابع بزرگ انرژی را برای ده ها سال آینده برای امپریالیست امریکا تأمین می کند. تنگه هرمز شیر نفت جهان است که آنوقت با اراده امپریالیست امریکا باز و بسته می شود. حضور امریکا و سایر امپریالیستها در منطقه، خطری برای امنیت جهان است و امنیت مردم منطقه را

تهدید می کند. مسأله بمب اتمی موهومی ایران تنها یک دروغ توجیهی برای تسلط بر منطقه است و سازش جمهوری اسلامی با امپریالیستها از ماهیت اهداف اشغالگرانه و تجاوزکارانه آنها هرگز نخواهد کاست. حزب کار ایران (توفان) تحریمهای جنایتکارانه اقتصادی علیه ایران را به ضد مردم ایران، یک گشتار ضد بشری ارزیابی می کند و مسئولیت مستقیم فجایعی که در ایران بروز خواهد کرد به گردن امپریالیستها و در رأسشان امپریالیست امریکا می گذارد. حزب ما این اقدامات را قویاً جنگ افروزانه، ضد بشری و غیر قانونی دانسته آنها را محکوم می کند.

حزب ما با صدور بیانیه های متعدد همه مردم و گروهها و سازمانها های دمکرات، مترقی و ضد امپریالیست ایران را به ضد تحریمهای اقتصادی و جنگ افروزی امپریالیستها فراخوانده است تا درمقابل زورگوئیها و تهدیدات نظامی بایستند.

حزب کار ایران (توفان) رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی را یک رژیم ارتجاعی و سرکوبگر می داند که مورد نفرت اکثریت مردم ایران قرار دارد، ولی سرنگونی این رژیم فاسد و جنایتکار وظیفه مردم ایران است و نه قوای متجاوز بیگانه که تنها و تنها منافع غارتگرانه خویش را در نظر داشته و با هدف مستعمره کردن ایران به کشور ما حمله خواهد کرد. امپریالیستها هرگز حامی آزادی و دموکراسی و حقوق بشر نبوده اند. ریاکاری بر پیشانی آنها نوشته است. حزب ما معتقد است مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی جدا نیست و رژیم جمهوری اسلامی که ایران را به زندان کارگران و زحمتکشان و عموم مردم شریف ایران تبدیل کرده است، از مردم ایران بیش از دشمنان خارجی می ترسد و حاضر است برای بقای منحوسش هر امتیازی را به امپریالیستها بدهد تا برمسند قدرت باقی بماند. حزب ما با هوشیاری تمام ضمن افشای توطئه امپریالیستها و محکوم کردن تحریم اقتصادی و هر نوع تهدید نظامی به ایران اقدامات سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی را محکوم و از حقوق دمکراتیک کارگران و زحمتکشان و عموم مردم تحت ستم ایران قاطعانه حمایت می نماید و از هیچ کوششی در سازماندهی مردم برای تحقق حقوق حقه شان و مبارزه علیه اجانب دریغ نمی ورزد.

برگرفته از توفان الکترونیک شماره ۷۷ نشریه الکترونیک حزب کار ایران آذر ماه [قوس] ۱۳۹۱

www.toufan.org

toufan@toufan.org